

سلسلہ مباحث اخلاق و عرفان (۱۱)

سفر بہ کعبہ جانان

محمّد

تقریرات

استاد علی اللہوردی بخانی

سرشناسه	: الهوردیخانی، علی، ۱۳۰۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: عشق و محبت / تقریرات علی الهوردیخانی.
مشخصات نشر	: تهران: توسعه دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۶ ص.
فروست	: سلسله مباحث اخلاق و عرفان. سفر به کعبه جانان؛ [ج. ۱۱].
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: آداب طریقت
موضوع	: Customs of the order*
موضوع	: عشق (عرفان)
موضوع	: (Love (Mysticism*
شماره افزوده	: سلسله مباحث اخلاق و عرفان. سفر به کعبه جانان؛ [ج. ۱۱].
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ج. ۱۱ س۷۵ الف۷/۳/۲۲۸۸ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۴
شماره کتابخانه ملی	: ۴۴۶۵۷۵۵



سفر به کعبه جانان

عنوان • سلسله مباحث اخلاق و عرفان

عشق و محبت

تالیف و تدوین • علی الهوردیخانی

ناشر • توسعه دانش

نوبت چاپ • اول، ۱۳۹۵

چاپ • خانه چاپ پایدار

تیراژ • ۱۵۰۰ جلد

قیمت • ۴۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ساختمان ۳۱۰، طبقه زیر همکف

تلفن: ۶۰-۶۶۴۱۵۴۵۹

سایت: www.elmo-danesh.ir

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۵	انسان در یگانا خلقت
۱۹	تجلی عشق در سیمیه اطن
۲۴	غولان و سبغان
۳۱	تهذیب، شرط درک حقیقت
۳۶	نفس، بُراق روح
۴۰	اطوار دل
۴۲	عشق، حیات روح
۴۵	حب عام و حب خاص
۴۹	از شوق تا انس
۵۰	عظمت عاشقان
۵۸	حسن و عشق
۶۲	از عقل تا عشق
۶۵	وظیفه‌شناسی در پرتو عشق
۶۹	عدالت و شفقت عشق
۷۲	کیمیای عشق

- ۷۹ شرط تداوم عشق
- ۸۱ عشق، سرچشمه لذات
- ۸۴ عشق، معیار تمیز حق و باطل
- ۸۹ انگیزش قلوب با نغمات آسمانی
- ۹۵ فهرست آیات
- ۹۹ فهرست احادیث
- ۱۰۱ خزیده منابع و مآخذ
- ۱۰۳ فهرست حلّلات سفر به کعبه جانان

پیش‌فشار

کتاب حاضر بخشی از مجموعه تقریرات استاد فقید بنابر علی‌الهوردیحانی در طی نیم قرن گذشته است که در جلسات تربیتی پیش بیان فرموده‌اند.

این مجموعه ارزشمند از حقایق عالیه دین مقدس اسلام، سالیان متمادی را دسترس عموم به دور بوده تا این که در سالهای اخیر توسط متعین ایشان، تنظیم و به توفیق الهی برای استفاده شیفتگان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به زیور طبع آراسته شده به امید آن که قبول پیشگاه حق واقع گردد.

ضمن سپاس و قدردانی از زحمات مایه فرسای معظم‌له، از این که در زمان حیاتشان اجازه تدوین و تنظیم این مجموعه را یافته‌ایم به درگاه الهی شکرگزاریم؛ و پیشاپیش از هرگونه سهو و خطای احتمالی به مقام یادداشت برداری یا تنظیم و بازنویسی مطالب، پوزش می‌طلبیم. امید است که خوانندگان محترم بالاخص صاحب‌نظران و اهل فضل با نظرات عالیه خود ما را در چاپ‌های بعدی این آثار یاری فرمایند.

مقامه

سپاس خدای را که به حکمت بالغه خود کتاب مقدس خود را فرو رستاد و آن را راهنمای گمشدگان وادی حیرت نمود. پرده مجاز از چهره برار برداشت و نعمت آزادی را بر احرار کرامت فرمود.

درود و تحیات بی شمار بر حضرات انبیاء و اوصیاء و اولیاء، بالاخص بر وجود مقدس - خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص)، که جمیع انبیاء و اولیاء بنانان نبوت و ولایت وی اند.

الهی بی تویی عدم است، هرچه هست با توست. ازیم آن دیدار را که جز جمالش همه را واپس نهاده و وجود مطالی را به نظاره بنشیند و خویشتن خویش را در این نظاره دریابد.

مقصود از آفرینش، وجود انسان است و مقصود از انسان، معرفت به ذات و صفات حضرت خداوندی است و کمال این معرفت، جز از انسان راست نیاید. چه دل انسان آئینه جمال نمای الوهیت است و ظهور جملگی صفات جلال و جمال حق به واسطه این آئینه الهی است.

دروود بر خرد پرورانی که آئینه‌سان پذیرای تجلیات عکس جمال جمیل حق شده و مهرآسا بر نفوس نیازمندان تابش می‌کند و هر یک را به حسب استعداد خویش پرورش داده و از پرتگاه کژی و تباهی به شاهراه حقیقت می‌کشانند. حقیقت، هدف توجه هر سالک و آخرین نقطه مقصود اوست.

دروود بر آن قافله‌سالاران عالم بشریت که ذوق فطری انسان‌ها را با تدبر و تفکر و تعقل و علم و حکمت به جنبش در می‌آورند، و بر نیروی علم و معرفت ایشان می‌افزایند تا از پرتو شاعلی فروزان هدایت که ارزانی داشته‌اند، استضائه نموده معانی باطنیه «وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا» را دریابند.

آن سالکانِ ابدی که در وادی طلب می‌تازند و سر بر استان ارادت می‌نهند و قوای جسمانی در بوتۀ ریاضت و سجده می‌گدازند و سر بر زانوی مراقبه، چشم بر دریچه عنایت می‌گشایند، تا کدام وقت و ساعت پرتوی از جانان بتابد، که باییدن همان و نقد هستی در باختن همان. چه کمال انقطاع از ماسخات، یا اتصال به حق و گسستن از غیر در اثر حصول صغقه جلال است «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا». همه اصیاء و اوصیاء را صغقه جلالیه فراگرفته که در حقیقت، همان اصیاء به دردها، گرفتاری‌ها، فشارها و سوز و گدازهاست.

عارف دلدادۀ جمال و کمال معشوق است و دلدادگی، همان مرتبۀ تسلیم در ارادۀ معشوق. عارف کسی است که با خدا راز می‌گوید، به جان و دل رضای او می‌جوید، دست از اغیار می‌شوید، گل وصال می‌بوید، در میدان عبودیت می‌پوید.

سالک عارف در اثر تقوای تام و مجاهدات و ریاضات شرعی، انشراح صدری به او دست داده و سینه‌اش محل اشراق نور توحید گشته است. او در پرتو حق می‌بیند که فاعلیت مطلقه دار وجود در انحصار ذات اقدس الهی است.

الهی کدام دل است که در آتش عشق تو نیست؟ کدام دیده که در انتظار دیدار تو نیست؟ کدام جان که در مخلب ریت تو نیست؟ کدام سرکه سرمست عشق تو نه؟

طوبی بر آن دلی که از شبهه و شک شسته، به مولی پیوسته و از کائنات رست. سالک طریق حق باید که به توفیق الهی دل را دریابد و به دار رسد. آن که دل را یافت، خدا را یافت، دل مظهر جلال و جمال که است.

حب و عشق به سال و کمال علی‌الاطلاق فطری بوده و در نهاد هر کسی و ذریعه نهاده شده است. در اثر اهتمام به مراقبه شدید، حب و عشق الهی در ضمیر سالک ظاهر گردد، لیکن علاقه به کثرت و مادیات، حجاب‌های عشق فطری شده و نمی‌گذارد این پرتو ازلی ظاهر گردد. اما به واسطه مراقبه، کم‌کم حجاب‌ها ضعیف شده بالاخره از بین می‌روند، و حب و عشق فطری در ضمیر سالک، او را به سوی سال و کمال مطلق رهبری می‌کند، به حدی که به جز خدا نبیند.

مایه این نور الهی در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده و فطرت او به سرچشمه خورشید لایزال متصل است. اگر کسی خود را از تحت جاذبه نور کنار نکشد، نور الهی بر تمام سطوح وجود او می‌تابد. ما هستیم که این آب حیات‌بخش را به شوره‌زارهای تمایلات و خارستان‌های خودخواهی‌ها فرو می‌ریزیم، و گرنه پیمانه وجود ما هر آنی از فیض الهی

پرمی شود.

مشاهده انوار و تجلیات الهی برای هر کسی به نسبت تزکیه نفس و تخلیه وجود از رذایل و تحلیه آن با زیورهای الهی است. به طوری که سالک می تواند در اثر طی این مراحل خود را به مقامی برساند که نه تجلیات و انوار، که جمال و جلال الهی را بی پرده مشاهده نماید. اما انحرافات و معاصی بیب ازدیاد حجابات شده، به جایی می رسد که حتی ذره و اثری از انوار و تجلیات الهی را مشاهده نمی کند.

مبدأ همه کمالات، معرفت به حق و ترک هوی های نفسانی است و مبدأ تمام نقائص، خدانشناسی و ضعف ایمان و حب نفس است. از این رو راه اصلاح همه مفسده ها، معرفت به حق و ترک اشتباهات نفسانی است.

صاحب دل کسی است که از آرایش جسمانیات مبری و از شوائب مادیات معرّی است. در تهذیب نفس و تحصیل علم باطنی کوشد. چه، علمی که از باطن سرچشمه گیرد، قلب را خاشع نماید و زبان را راست گرداند و لفظ و بیان را از هرگونه تلبیس و انحراف بازدارد.

اعطای علم به نسبت مراتب عشق است. با علم بدانیم که علم شریعت آموختنی است، علم حقیقت یافتنی است. علم شریعت به تلقین است، علم حقیقت به نور یقین است. حقیقت، آفتابی است که سالک به نور عزت از آفاق دل ببیند.

علمای ربّانی تمام علوم حقه را در پرتو تصفیه باطن و تهذیب نفس دریافته و همه را در انوار وجه الهی ادغام نموده به کعبه جانان رسیده اند. الهی ما را در زمرة عاشقانی قرار ده که از آب و گل، از جان و دل درگذشتند، از قید دنیا و عقبی

خویشتن را رها نیدند، خود را با توبهٔ نصوح بیاراستند.
 شاهراه دین را بدایتی است و نہایتی. بدایت اهل
 شریعت راست، نہایت اهل حقیقت را. عمل اهل شریعت،
 خدمت است بر شریعت. اما صفت اهل حقیقت، علاوه بر آن،
 قربت است بر مشاہدت. قاعدہ اهل شریعت را بہ سہولت
 نہادند. خدا بہ آنها رخصت ہا داد کہ آنها مستضعفین اند، بار
 نگین را از دوش آنها برداشت، زیرا کہ طاقت کشیدن چنان
 باری ندارند. اما روش اهل حقیقت را بر صعوبت نہاد «جَاهِدُوا
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى تَمُوتُوا»

درود حق نثار آن جوانمردانی کہ اعلام اسلامند، امان
 جہانند، بر سر دی شریعت داعیانند، بر لب چشمہ حقیقت
 ساقیانند.

درود بی حد و - صریح حبیب خدا (ص)، مہتر عالم، سید
 مکرم کہ خداوند متعال فرمود: «يَا حَبِيبُ مَنْ أَمَرَ كَسْ تَرَا يَافَتْ،
 مَا رَا يَافَتْ» «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ».